

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۵ جولای ۲۰۲۱

زندگی اسفبار مردم خوزستان در منطقه پُر از ثروت

جامعه ایران بسیار بُغرنج است. هر حرکت نظام همچون قطع آب و برق و نظایر این‌ها برابر با پاسخ عموم مردم نسبت به بانیان آن است. در این‌بین سرمداران رژیم جمهوری اسلامی و طبق معمول، علت‌ها را به محیط‌های غیرخودی و نیز سازمان‌داده شده از بیرون توضیح می‌دهند. همواره این‌گونه بوده است و نظام جمهوری اسلامی از همان آغاز، سر هر اعتراض و مطالبات اولیه و پایه‌ای را به «ضد انقلابیون» و به «بیگانگان» وصل کرده است. نان را از سر سفره مردم می‌گیرند و آب را به روی آنان قطع می‌کنند و در مقابل حاضر به شنیدن کوچک‌ترین درخواست‌ها و اعتراضات مردمی نیستند. آن‌قدر مردم را در این چندین دهه تحت فشار قرار داده‌اند، و آن‌قدر هر حرکت بدیهی و مسالمت‌آمیز را سرکوب و لت‌وپار کرده‌اند که صدای رانده‌شدگان دولتی و نمایندگان مجلس [همچون محمود احمدی‌نژاد و مجتبی یوسفی] هم در آمده است.

در هر صورت به دنبال اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، توده‌های دردمند خوزستان هم در اثر بی‌آبی به خیابان‌ها سرازیر شده و با ارگان‌های سرکوب‌گر نظام درگیر و تنی چند از معترضین جان خود را از دست داده‌اند. افسوس منطقه خوزستان و دیگر مناطق ایران پُر از ثروت و منابع طبیعی، و نیز پُر از امکانات برای زندگی درخور انسانی‌ست، ولی عده‌ای اندک دارند در پناه ارگان‌های سرکوب، اموال عمومی را غارت و زندگی را به‌کام میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و دردمند تنگ می‌کنند. متأسفانه در ایران زیر سلطه سرمداران رژیم جمهوری اسلامی، پایه‌ای‌ترین نیازهای زندگی یعنی آب و نان و سرپناه به‌یکدیگر از معضلات و مشکلات سازندگان اصلی تبدیل شده است. معلوم است که مدافعین و بانیان چنین جامعه ناهنجاری در برابر خشم و نفرت توده‌ها قرار خواهند گرفت؛ معلوم است که خیابان‌ها به میدان کشاکش تبدیل و جامعه را بر سر دو راهی، یعنی تسلیم در برابر وضع موجود و یا تلاش برای تغییر آن قرار خواهد داد. اگرچه دهه‌هاست جدال دو سوی جامعه [یعنی بین بالائی‌ها و پائینی‌ها] و آن‌هم به اشکال متفاوت در جریان و به‌مرحله تازه‌تر و رادیکال‌تری پای گذاشته است که از جمله نمونه‌های آن، اعتراضات عمومی سال‌های ۹۶ و ۹۸، اعتراضات و اعتصابات ادامه‌دار کارگران هفت‌تپه، نفت و گاز و پتروشیمی و به‌موازات آن‌ها اعتراضات توده‌های محروم و جوانان خوزستان است.

بی‌تردید دلیل همه این‌ها به ماهیت نظام برمی‌گردد؛ برای این‌که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی را بر سر کار گمارده‌اند تا با تخریب زیرساخت‌ها و با غارت ثروت‌های جامعه، گره‌های زندگی میلیون‌ها انسان ستم‌دیده را سفت‌تر

کنند. اخراج کارگران از کار و متعاقباً عدم پرداخت حقوق‌های ناچیزشان، آتش زدن جنگل‌ها، تغییر مسیر آب و خشک کردن رودخانه‌ها، سدسازی‌های بی‌رویه و غیره از زمره مواردی است که حکومت جمهوری اسلامی در چهارچوب سیاست‌های اقتصادی - سیاسی پیشه خود ساخته است. آب برای خوردن نیست؛ کار برای تهیه نیازهای اولیه زندگی نیست؛ سوخت برای گرم کردن نیست؛ مدارس برای تحصیل نیست؛ دارو و امکانات پزشکی برای درمان نیست؛ برق نیست؛ راه‌ها و جاده‌های امن برای رفت‌وآمد و سفر نیست، ولی در عوض پُر از امکانات و پول برای سرکوب و کُشت و کُشتار معترضین است؛ ولی در عوض پول به اندازه کافی برای ساختن زندان‌ها و شکنجه و اعدام کمونیست‌ها، مبارزین و مخالفین است. پُر واضح است که چنین مناسبات و نظام‌هایی، هدف و مقصودشان سازندگی جامعه و پاسخ به مشکلات و زندگی مردم نیست. برای این که حکومت یک‌درصد‌هایست و کاری به نودون‌درصدی جامعه ندارد. بی‌دلیل نیست که جامعه هر روز، شاهد اعتراضات مردمی [و آن‌هم در چهار گوشه ایران] بر سر مطالبات ابتدائی‌ست. این‌روزها توده‌های ستمدیده خوزستان هم به‌همراه کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و هفت‌تپه، پرچمدار بخشی از جنبش‌های اعتراضی مردم علیه سرمداران وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. این‌بار مردم و جوانان خوزستان [هم‌زمان و به‌همراه دیگر قربانیان نظام امپریالیستی] مورد یورش وحشیانه حاکمان قرار گرفته‌اند و حمله به معیشت و جان آنان بر فضای شهرهای اهواز، ایذه، سوسنگرد، شوشتر، خرمشهر، آبادان، بهبهان، رامشیر، ویس، دارخوین، ماهشهر، گناوه و غیره سایه انداخته است.

ناگفته نماند که بی‌آبی نه همه موضوع، بسا که بخش کوچکی از مشکلات مردم خوزستان است. زیرا که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی مطابق با خواسته‌های قدرت‌مداران بین‌المللی، هشت سال جنگ خونین و ناعادلانه را به مردم این منطقه تحمیل کردند؛ بیش از چهل سال مال مردم این منطقه را [به‌همراه دیگر منطقه‌ها] خورده‌اند، و بیش از چهل سال نفت و گاز را غارت کرده‌اند تا سیاست‌های امپریالیستی را پی گیرند. بی‌شک درد مردم و جوانان این منطقه، درد میلیون‌های توده رنج‌دیده دیگر مناطق است؛ درد کودکانی است که در اثر فقر والدین‌شان در خیابان‌های ناامن منطقه خوزستان به نیروی کار تبدیل شده‌اند؛ درد میلیون‌ها جوانی‌ست که از سر بیکاری و فقر به شغل‌های کاذب روی آورده‌اند. بهرآستی زندگی همه مردم مناطق مختلف شبیه به هم است و نداری و مشکلات، کمر آنانرا خرد کرده است. طبیعتاً هر نوع اعتراض به اوضاع اسفبار و دست‌ساز حاکمان، برابر با گلوله، دستگیری و شکنجه است. پس بسیج گله‌وار نظام علیه توده‌های محروم خوزستان، تداوم همان سیاستی‌ست که سرمداران حکومت تابه‌حال در برابر دیگر اعتراضات و مطالبات توده‌ای اتخاذ کرده‌اند؛ سیاستی که از آغاز در دستور کار نظام قرار داشت و آشکار شده است که زندگی و زنده بودن سران حکومت، با سازمان‌دادن دست‌جات مسلح ارتجاعی و با به‌خاک‌خون کشاندن معترضین و مخالفین گره خورده است.

مردم طالب نان و آب و تقسیم ثروت‌های جامعه به سازندگی اصلی‌ آند. به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند تا سرمایه‌های مملکت را در جهت سازندگی جامعه و زندگی بهتر کودکان سازمان دهند و بر خلاف «اصلاح‌طلبان» حکومتی [هم‌چون طبیه سیاوشی] مبنی بر این که "سیاست کف خیابان راحل نیست"، باید گفت که خیابان‌ها ثمربخش‌ترین راه دستیابی به خواسته‌های لگدمال شده مردم و جوانان محروم خوزستان است. آشکار است که ترس سرمداران رژیم جمهوری اسلامی هم از تجمعات خیابانی و همگانی است. بی‌دلیل نیست که هر زمان کف خیابان‌ها به صحنه نبرد عملی بین مردم با حکومت‌مداران و دولت‌مردان تبدیل می‌شوند، مدافعین قانون اساسی نظام و دیگر حامیان مناسبات امپریالیستی به‌میدان می‌آیند و می‌کوشند تا مردم را به خانه‌هایشان هدایت کنند؛ خانه‌هایی که بدون کم‌ترین شبهه‌ای، جوابگو و درمان دردهای تحمیلی سرمایه‌داران به میلیون کارگر، زحمت‌کش، زن و مرد و کودک و جوان نیست.

محسوس است که نظام لحظه‌ای از خیابان غافل نمانده است و متعاقباً درست است که خیابان جواب‌گوست، اما خیابان بدون برنامه و هدایت‌گر کمونیستی، به معنای قطع مناسبات و حاکمیت امپریالیستی نیست. پس صحیح نیست تا بدون حضور در خیابان‌ها و میدان‌های متفاوت طبقاتی - اعتراضی، نسخه «سازمان»ی و «حزب»ی، برای مردم در خیابان‌ها و در میدان‌های اعتراضی پیچید. از این رو دعوت مردم به خانه‌ها و تقلیل خواسته‌های کارگری و توده‌ای به مواردِ سخیف و ناعلاجی همچون ارسال بطری آب، و یا طلب انجام وظایف فردی - کمونیستی از جنبش‌های اعتراضی، چیزی جز به تسلیم واداشتن مردم از وضعیت موجود و بویژه فرار از تعهد و مسئولیت‌پذیری کمونیستی نیست. خلاصه مشکل مردم خوزستان [بمانند دیگر توده‌های ستمدیده] فقط بی‌آبی نیست و صدها مشکل به مراتب بالاتر برشانه‌های‌شان سنگینی می‌کند. چند مثال‌اش این است که آزادی پوشش نیست؛ بیمارستان‌ها به تعداد جمعیت جامعه نیست و تا آنجا که کفاف مراجعه کنندگان را هم نمی‌دهد؛ کار برای فارغ‌التحصیلان نیست و در عوض بیش از جمعیت جامعه، سلاح و دیگر دم و دستگاه‌های تقشیر عقاید و کنترل کننده است.

بی‌گمان همه این‌ها نشان از آن دارد که حکومت‌مداران بناحقاند و با هیچ صراطی مستقیم نیستند؛ نشان داده‌اند که کاربُرِد سلاح یگانه سیاست‌شانرا شامل می‌شود و نیز در این چهار دهه نشان داده‌اند که با هیچ زبانی به غیر از زبان زور آشنائی ندارند. متأسفانه بنابه ایرادات و مواردِ چندی، جامعه اعتراضی فرصت‌های بی‌شماری را از دست داده و باعث شده است تا حکومت بردوام بماند؛ حکومتی که آمده است منطقه پُر از آب و نفت و گاز همچون خوزستان را با بی‌آبی، بی‌نفتی و بی‌گازی تبدیل سازد و از قبل آن‌ها سودهای کلانی به جیب بزند.

نتیجه این که هیچ راهی به غیر از سرنوشتی نظام نیست؛ هیچ راهی به غیر از مقابله عملی با ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی نیست؛ هیچ راهی به غیر از حمایت عملی و سازمان‌دادن اعتراضات توده‌های محروم خوزستان توسط مدافعین سازمانیافته کارگری و توده‌ای و بویژه با برنامه کمونیستی نیست. تابه‌حال دشمنان طبقاتی مردم تلاش بسیار زیادی کرده‌اند تا جنبش‌های به حق را پس زنند؛ تلاش بسیار زیادی کرده‌اند تا با سرکوبِ عنان گسیخته خیابان‌ها را «آرام» کنند؛ اما خیابان‌ها و دیگر میادین طبقاتی - تولیدی علی‌رغم کاستی‌های اعتراضی - مبارزاتی، سرزنده‌تر و پی‌گیرتر به مطالبات و درخواست‌های سیاسی - اقتصادی‌شان پای فشرده‌اند و صاحبان تولیدی و سران حکومت را کلافه کرده‌اند.

نکته آخر این که مردم مطابق با شرایط اعتراضی، شعارها، شیوه و نوع فعالیتی خود را انتخاب و سازمان خواهند داد و بنابراین هرگونه توصیه روش‌های دل‌خواه و آن‌هم بدون حضور در صحنه نبرد، برابر با صدمه‌زدن به جنبش‌های اعتراضی است. فراسط کمونیستی در آن است که اوضاع جامعه و بویژه موقعیت و جایگاه خودی را بدُرستی شناخت و از طرح هرگونه شعارهای بی‌مایه، و نیز از سیاست ریموت کنترل جنبش‌های اعتراضی دوری کرد. چرا که جامعه در انتظار و خواستارِ ردپای حامیان عملی مردم خوزستان، کارگران، زحمت‌کشان و همه قربانیان نظام امپریالیستی در برابر ارگان‌های سرکوب‌گر رژیم جمهوری اسلامی است. ایراد بزرگی که دهه‌هاست بر فضای جامعه ایران سیطره انداخته و رفع آن منوط به حضور کمونیستی است. تنها در این صورت یعنی با وجود و با دخالت‌گری‌های عملی نیروهای متعلق به انقلاب و بخصوص با قطع سلطه و مناسبات امپریالیستی است که کارگران، زحمت‌کشان و نیز توده‌های محروم و ستمدیده خوزستان به خواست‌ها و مطالبات‌شان دست خواهند یافت.

۲۴ جولای ۲۰۲۱ برابر با ۲ مرداد ۱۴۰۰